

آژانس: از ناسیسات بمباران‌شده بازرسی نگرديم

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیروز چهارشنبه دو گزارش فصلی درباره برنامه هسته‌ای ایران به اعضای شورای حکام این نهاد بین‌المللی ارسال کرده است و در این گزارش، ادعاهایی را در خصوص برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران مطرح کرده‌است.
فارس می‌نویسد، متن این دو گزارش که قرار است محرمانه باشد به رسانه‌هایی مانند روتترز و آسوشیتدپرس درز کرده است. به گزارش خبرگزاری الجزیره، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز چهارشنبه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما در ماه ژوئن از تأسیسات هسته‌ای ایران که بمباران نشده بودند، بازرسی کردیم و هیچ تأسیساتی را که بمباران شده بود، مورد بازرسی قرار ندادیم.»
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این گزارش ادعا کرد: «در ۱۳ ژوئن، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران ۹۸۷۴/۹ کیلوگرم تخمین زده شد. بازرسی‌ها به‌طور کامل ازسر گرفته‌نشده‌اند، بنابراین برآوردهای ما از ذخایر ایران بدون تغییر باقی مانده است.»
گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این باره مدعی است: «ایران باید گزارشی در مورد مواد و تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده ارائه دهد، اما هنوز این کار را نکرده است»
رافائل گروسی در این گزارش همچنین گفته که وضعیت اورانیوم غنی‌شده ایران «نیاز به رسیدگی فوری دارد.»
در گزارش‌های آژانس همچنین ادعاشده عدم دسترسی آژانس به مواد هسته‌ای ایران در ۵ ماه گذشته به معنی این است که راستی‌آزمایی درباره این مواد به تأخیر افتاده است.

از سوی دیگر خبرگزاری روتترز در گزارشی مدعی شد که بر اساس گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که توسط این خبرگزاری رؤیت شده، نهاد مذکور نتوانسته است وضعیت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد غنی‌شده ایران را از زمان حمله صهیونیست‌های اشغالگر به مراکز هسته‌ای ایران بازرسی کند.
در گزارش روتترز در این باره ادعا شده است: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که میزان اورانیوم غنی‌شده انباشته‌شده با غنای بالا مایه نگرانی شدید است.
لارنس نورمن، خبرنگار روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال درباره گزارش تازه آژانس در مورد ایران اظهار کرد: «میزان اورانیوم بسیار غنی‌شده (HEU) تولید و انباشته‌شده توسط ایران که تنها کشور غیرهسته‌ای عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ان‌بی‌تی، است که چنین کاری انجام داده و همچنان در ایران باقی مانده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قادر به راستی‌آزمایی آن نیست… این موضوع موجب نگرانی جدی است و همچنین مسئله‌ای است در زمینه رعایت توافقه‌ماه نظارت‌های پیمان ان‌بی‌تی. گزارش می‌گوید رافائل گروسی به وضوح به ایران اعلام کرده است که اجرای فعالیت‌های نظارتی در ایران طبق توافقه‌ماه نظارت‌های ان‌پی‌تی ضروری و فوری است؛ توافقه‌نامه‌ای که همچنان معتبر باقی مانده و اجرایی آن تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند متوقف شود.
تا تاریخ ۲۲ مه ۲۰۲۵، ایران به بازرسان آژانس که برای ایران تعیین شده بودند، ویزای بلندمدت صادر کرد، فضای کاری مناسب در سایت‌های هسته‌ای فراهم آورد و استفاده از فضای کاری در مکان‌های نزدیک به سایت‌های هسته‌ای در ایران را تسهیل نمود (بند ۶۷.۲). پس از این تاریخ، ایران دیگر ویزای یک‌ساله چندورودی برای بازرسان آژانس صادر نکرد، اما همچنان فضای کاری مناسب در سایت‌های هسته‌ای که تحت تأثیر حملات نظامی قرار نگرفته بودند را فراهم نمود و استفاده از فضای کاری در مکان‌های نزدیک به سایت‌های هسته‌ای در ایران را تسهیل کرد.
در تاریخ ۱۲ ژوئن… ایران به آژانس اطلاع داد که تأسیسات جدیدی برای غنی‌سازی سوخت (کارخانه غنی‌سازی سوخت اصفهان - IFEF) ایجاد شده است، و آژانس در خواست دسترسی فوری برای انجام بررسی اطلاعات طراحی و راستی‌آزمایی کرد که ایران با آن موافقت نمود. با این حال، آژانس این فعالیت‌های راستی‌آزمایی برنامه‌ریزی‌شده را به دلیل آغاز حملات نظامی لغو کرد. از آنجا که هیچ فعالیت راستی‌آزمایی در این تأسیسات انجام نشده است، آژانس از موقعیت دقیق IFEF، وضعیت آن برای اهداف نظارتی، از جمله اینکه آیا شامل مواد هسته‌ای است یا نه، یا اینکه آیا تحت تأثیر حملات نظامی قرار گرفته است یا خیر، اطلاعی ندارد یا اینکه آیا این تأسیسات تحت تأثیر حملات نظامی قرار گرفته است.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ رنگ سفید روغنی شماره موتور ۱۱۲۸۱۲۷۴۳۲ شماره شاسی ۸۳۳۳۸۷۷ ۰۵۸۱۴ شماره پلاک ۱۳ ایران ۸۱۹ ن ۸۳ به نام سیده صنوبر دادور مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

این است که تضمین دهد، دوباره حمله نخواهد کرد و اصرار کند که اسرائیل هم به پایبندی به آتش بس ادامه دهد. اگر ایالات متحده و ایران به میز مذاکره برگردند، باید این روند تحمیل و تقابل را یا کم‌اثر کنند یا متوقف. در این راستا، دولت ترامپ می‌تواند ضرب‌الاجل شصت‌روزه را یا تغییر دهد یا کنار بگذارد. تهران، با توجه به زمانی که مذاکره و امضای برجام برده بود، این ضرب‌الاجل را غیرواقع‌بینانه می‌دید. واشنگتن باید به وعده‌اش برای توقف تحریم‌ها در طول مذاکرات هم عمل کند. در نهایت، واشنگتن و تهران باید از تهدید یکدیگر به اقدام نظامی دست بردارند و موضع‌گیری‌های علنی را کلاً به حداقل برسانند؛ تا زمانی که پیشرفتی حاصل شود و توافق به دست آید. اجرای این اقدامات، به ایجاد اعتماد و اطمینان کمک خواهد کرد و این به همان اندازه ظرافت‌های تخصصی توافقات دیپلماتیک اهمیت دارد، اگر مهم‌تر نباشد.

واشنگتن و تهران باید پیش از ادامه مذاکرات روی قالب آن‌ها و انتظارات‌شان به اجماع برسند. می‌توانند این ایده را در نظر بگیرند که گفت‌وگوهای غیرمستقیم با میانجیگری عمان را حفظ کنند و هرازگاهی هم تبادل نظر مستقیم داشته باشند. این فرم انعطاف‌پذیری ایجاد می‌کند، برای حالتی که در گفت‌وگوهای غیرمستقیم پیشرفتی حاصل شود و دو طرف بخواهند برای نهایی کردن جزئیات در یکی از بخش‌های توافق، مستقیماً با هم تعامل کنند.

علاوه بر این فرم، ایالات متحده و ایران باید روی انتظارات‌شان از توافق، به توافق برسند. در پنج روز اول گفت‌وگوها، دولت ترامپ مشتاق بود به توافقی جامع برسد که رفع تحریم ارائه کند و روابط را با واشنگتن عادی کند، در مقابل غنی‌سازی صفر و برچیدن کامل برنامه از سوی تهران. این‌ها شرایطی هستند که برای ایران از همان ابتدا ناپذیرفتنی‌اند. در همین حال، تهران تلاش می‌کرد به توافقی موقت یا دنباله‌ای از توافقات موقت برسد که شامل اقدامات اعتمادساز شود و امتیازدهی دو طرف را مرحله‌ای کند. پیش از ادامه مذاکرات، ایالات متحده و ایران باید تصمیم بگیرند آیا می‌خواهند توافقی جامع امضا کنند یا پلکانی. در هر حالت، پنج دور اول گفت‌وگوها نشان داد دامنه مذاکرات هسته‌ای و توافق بالقوه، محدود به مسائلی مشخص است. برای واشنگتن، این مسائل محدود به امنیت هستند و شامل سطح غنی‌سازی، ذخایر اورانیوم، بازرسی آژانس و نیابتی‌های منطقه‌ای می‌شوند. برای تهران، مسائل محدود به اقتصادند و متعاقب آن، تحریم‌های اقتصادی، دارایی‌های مسدودشده و صادرات نفت در کنار تأیید کنگره آمریکا.

واشنگتن و تهران باید به مسئله بیشینه‌گرایی آمریکا درباره سطح غنی‌سازی ایران و ذخایر اورانیوم رسیدگی کنند. به دنبال دور پنجم گفت‌وگوها، دولت ترامپ موافقت کرد به ایران اجازه دهد در سطوح غیرنظامی یا صلح‌آمیز و پیش از ایجاد یک کنسرسیوم منطقه‌ای، غنی‌سازی کند؛ اما به سرعت از این مسیر برگشت و باز به سراغ بیشینه‌گرایی رفت و دوباره خواستار غنی‌سازی صفر و برچیدن کامل شد. واشنگتن می‌تواند گشایش و مسیری به سوی توافق بالقوه ایجاد کند، به این ترتیب که اجازه دهد ایران در سطوح پایین تر غنی‌سازی کند و ضمناً در ساخت رآکتورهای هسته‌ای برای اهداف غیرنظامی یا صلح‌آمیز به ایران کمک کند.

دولت ترامپ همچنان درباره ذخایر اورانیوم ایران هم موضع حداکثری را حفظ کرد، با اصرار بر این که ذخایر بیش از رفع هر تحریمی، یا نابود شوند یا صادر. این موضع با برنامه‌سمر حله‌ای ایران تناقض داشت. بعد از دور پنجم، تهران گفته بود حاضر است در قبال رفع تحریم‌ها از ذخایر اورانیوم صرف‌نظر کند؛ اما تصریح نکرده بود آیا حاضر است این کار را پیش از آن کند که اول میزانی از رفع تحریم را از واشنگتن گرفته‌باشد یا نه. در چار چوب توافقی آتی و به شکلی پایاپای، قابل تصور است که واشنگتن بتواند بر سر سطوح غنی‌سازی مصالحه کند و تهران هم بر سر ذخایر پیش از رفع تحریم.

نهایتاً، دولت ترامپ باید نفوذ و مداخله افرادی را که در اسرائیل و کنگره به سر راه مذاکرات مانع تراشیدند و تنش‌ها را بالا ببرند، کاهش دهد. آن‌ها به ترامپ فشار آوردند مواضع حداکثری را حفظ کند، به‌خصوص در لحظات کلیدی که به نظر می‌رسید او آماده مصالحه است. ترامپ را بر آن داشتند که به‌رغم وعده توقف تحریم‌ها، آن‌ها را بیش‌تر کند. در نهایت اسرائیل هم با حمله به ایران و آغاز جنگ مذاکرات را مختل کرد. در طول گفت‌وگوها، تهران به خوبی از این مسئله آگاه بود و از ترامپ خواست مانع از مداخله بیشتر اسرائیل شود. در نهایت، این مسئله می‌تواند سخت‌ترین موضوعی باشد که ترامپ باید مدیریت کند. او رابطه شخصی نزدیکی با نتانیاهو دارد و نمی‌تواند از پس هزینه این مسئله بربیاید که لابی‌گری‌های اسرائیل و گروه‌های ذی‌نفع در کنگره و نهادهای دیگر را نادانیده بگیرد. اگر ترامپ به مذاکرات با ایران ادامه دهد، نمی‌تواند کاملاً کنگره را دور بزند، چون نیاز به تأیید یا تصویب توافق خواهد داشت تا ماندگارتر باشد. برای ترامپ، احتمال کسب تأیید کنگره کم به نظر می‌رسد، با توجه به اکثریت ضعیف جمهوری خواهان در کنگره و اکثریت قاطع اعضای حامی اسرائیل و مخالف ایران در هر دو حزب.

رسیدگی به این چهار عامل، کار سختی خواهد بود، اما رسیدن به توافق، به‌واسطه دامنه محدود مسائل درگیر، ممکن است، با توجه به این که تمرکز واشنگتن بر امنیت است و اولویت تهران، اقتصاد. در نهایت و فراتر از همه ظرافت‌های فنی، موفقیت یا ناکامی مذاکرات آینده وابسته به اراده سیاسی دو طرف خواهد بود و میزان اعتمادشان به یکدیگر.

ترجمه:روح‌النخعی

و در میانه سفر ترامپ به خاورمیانه، جمهوری خواهان کنگره نامه‌ای تحویل او دادند و دوباره خواستار غنی‌سازی صفر و برچیدن کامل شدند. آن‌ها از این رو چنین کردند که در مقابل پیشنهاد تازه‌ای که ترامپ به تهران فرستاده بود و در صورتی که درباره غنی‌سازی سازش کرده بود، پیش دستی کنند.

پیش از دور پنجم گفت‌وگوها، نتانیاهو تلاشی ناکام کرد تا ترامپ را قانع کند مذاکرات را ادامه ندهد. بعد از دور پنجم، اسرائیل و اعضای کنگره به ترامپ فشار آوردند تا در موضوع امتیازدهی بر سر غنی‌سازی اورانیوم از مسیرش برگردد و تحریم‌ها را دوباره بر ایران اعمال کند. نتانیاهو هم تهدید کرد که به پایگاه‌های هسته‌ای ایران حمله کند؛ اما ترامپ به او گفت دست نگه دارد و از اخلال بیشتر در مذاکرات خودداری کند. ترامپ ادعا کرد به نهایی کردن توافق نزدیک است؛ توافقی که مشروط به بازرسی‌های جدی‌تر است. روز ۱۲ ژوئن، دو روز قبل از زمانی که بنا بود دور ششم گفت‌وگوها انجام شود، اسرائیل با شروع حمله هوایی گسترده به ایران، مذاکرات را مختل کرد. این که علی شمخانی، ناظر و سرپرست فرایند مذاکرات در ایران و مشاور رهبری در زمینه آن‌ها، در میان اهداف اسرائیل بود، حاکی از این بود که اسرائیل قصد دارد مذاکرات را خراب کند. تهران دور ششم را لغو کرد و مذاکرات بیشتر را تا اطلاع ثانوی تعلیق کرد.

حملات هوایی اسرائیل، نه تنها برای مذاکرات ایالات متحده و ایران، بلکه به شکلی گسترده‌تر برای کل رژیم منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، پسرفت بود. به دنبال جنگ ۱۲ روزه، در دوم ژوئیه، ایران رسماً همکاری خود را با آژانس معلق کرد. این موضوع پس از آن بود که آژانس برای اولین بار در ۲۰ سال گذشته، رأی به محکومیت ایران در نقض ان‌بی‌تی داده بود. تهران این رأی را محکوم کرد، آن را دارای انگیزه‌های سیاسی خواند و گفت این رأی بود که یک روز قبل از حمله اسرائیل به ایران، آن را توجیه کرد. ایران ضمناً به آژانس شک داشت که اطلاعات مخفیانه و حساس را درباره تأسیسات هسته‌ای ایران با ایالات متحده و اسرائیل در میان گذاشته است. ایران البته با غنی‌سازی در سطوحی فراتر از سطوح لازم برای مصارف غیرنظامی و صلح‌آمیز، تخطی کرده بود، اما حملات علیه تأسیساتی را که مورد حفاظت و نظارت آژانس بودند، نقض قوانین بین‌المللی می‌دید.

توقف همکاری ایران با آژانس می‌توانست پیش‌درآمدی احتمالی برای خروج از ان‌بی‌تی و تسلیحاتی شدن برنامه باشد. این حرکات خطرناک بودند، از این رو که احتمالاً محرک اقدام نظامی از سوی اسرائیل و ایالات متحده می‌شدند. در روزها و هفته‌های پس از جنگ، آتش پس ایران با اسرائیل شکننده ماند، در حالی که ترامپ تهدید می‌کرد، اگر ایران برنامه‌اش را تعمیر و بازسازی کند، دوباره حمله خواهد کرد. برخی تحلیلگران حتی باور داشتند دوساله دوباره اسرائیل تا پایان سال جاری میلادی [تا آخر پاییز] محتمل است. جدای از احتمال جنگی دیگر با اسرائیل و ایالات متحده، ایران با واقعیت اعمال دوباره تحریم‌های سازمان ملل متحد با اجرای اسنپ‌ک از سوی تروئیکای اروپایی مواجه شد؛ تحریم‌هایی که تحت برجام رفع شده بودند و قرار بود اواسط اکتبر منقضی شوند. این چیزی بود که واشنگتن از اوایل گفت‌وگوها برای انجام آن به اروپایی‌ها فشار آورده بود.

پس از جنگ، رژیم منع گسترش با سیاست ابهام هسته‌ای ایران پسرفت دیگری داشت. این سیاست با اظهارات و ارزیابی‌های متناقض از آسیب وارده به تأسیسات هسته‌ای در فردو، اصفهان و نطنز ممکن شد. از یک طرف، ترامپ می‌گفت حملات آمریکا موفقیتی چشمگیر بوده‌اند و تأسیسات را نابود کرده‌اند. از طرف دیگر، نهادهای داخلی و بین‌المللی، از قبیل آژانس اطلاعات دفاعی وزارت دفاع آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ادعای ترامپ را انقض کردند و چنین نتیجه گرفتند که حملات، نه چندسال که فقط چندماه برنامه هسته‌ای ایران را عقب‌رانده‌اند؛ به علاوه، ادعایی شد تهران حملات را پیش‌بینی کرده و ذخایر، سانتریفوزها و تأسیسات را قبل از حمله منتقل کرده است. از آن جا که ایران همکاری با آژانس را متوقف کرده بود، بازرسان آژانس نمی‌توانستند از تأسیسات بازرسی و آسیب را بررسی کنند. این مسئله با هدف گرفتن مسیرهای دسترسی به تأسیسات در طول جنگ، تشدید شده بود.

غلبه بر چالش‌ها

حتی پس از این که مذاکرات به بن‌بست رسید و جنگ ۱۲ روزه را افتاد، در به روی دیپلماسی هسته‌ای کامل بسته نشده بود. به نظر می‌رسید ترامپ همچنان انگیزه دارد به وعده کارزارش برای انعقاد توافق و گسترش صلح در نقاطی مثل اورکراین و خاورمیانه عمل کند. با احتمال اجرای درگیری و تهدید تحریم‌های اسنپ‌ک، ایران لحن خود را درباره خروج از ان‌بی‌تی و برنامه هسته‌ای، ملایم‌تر کرد. همچنین مشغول بحث‌های دیپلماتیک بیشتر با تروئیکای اروپایی و آژانس بر سر تحریم‌ها و بازرسی‌ها شد.

در زمان‌های مختلفی در طول جنگ و پس از آن، واشنگتن و تهران میل خود را به ادامه مذاکرات ابراز کردند. پیش از این کار، هر دو طرف باید به این چهار عامل که در طول گفت‌وگوها چالش آفریدند مانع از رسیدن به توافق شدند، رسیدگی کنند.

ایالات متحده و ایران باید به چرخه معیوب تحمیل و تقابل در طول مذاکرات پایان دهند. زمان مشخص خواهد کرد آیا واشنگتن می‌تواند، پس از این که حملات هوایی اسرائیل را تأیید و تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کرد، چیزی شبیه به اعتماد در تهران ایجاد کند یا نه. یکی از راه‌های این کار

تحریم‌ها را برمی‌داشت و اروپایی‌ها یا همان ای ۳، تروئیکای اروپایی امضاکننده برجام را قانع می‌کرد سازوکار ماشه را کلید زنند. در مرحله سوم، ایران ذخیره اورانیوم غنی‌شده در سطح بالایش را به کشور ثالثی منتقل می‌کرد و واشنگتن تحریم‌های باقیمانده را برمی‌داشت؛ به علاوه، کنگره آمریکا توافق را تأیید می‌کرد تا دیگر نشود با فرمان اجرایی آن را لغو کرد یا تغییر داد؛ مشابه کاری که ترامپ در ۲۰۱۸ با برجام کرده بود. اگر واشنگتن قول می‌داده کارزار فشار حداکثری پایان دهد، ایران تنش‌های منطقه‌ای را با خلع سلاح و غیرفعال کردن نیروهای نیابتی اش کاهش می‌داد.

بیشینه‌گرایی آمریکایی

سومین عامل پیچیده‌کننده، بیشینه‌گرایی آمریکایی نسبت به سطح غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم در ایران بود. در طول پنج دور گفت‌وگو، واشنگتن موضعی حداکثری مبنی بر غنی‌سازی صفر را به جای منع تسلیحاتی کردن برنامه، برگزید. این برای تهران از همان ابتدا ناپذیرفتنی بود. به عنوان امضاکننده ان‌بی‌تی، ایران خود را دارای حق حاکمیتی برای غنی‌سازی اورانیوم جهت اهداف غیرنظامی یا صلح‌آمیز می‌دانست؛ حتی اگر بعد از خروج ترامپ از برجام، از سطوح پیشین فراتر رفته باشد. بیشینه‌گرایی آمریکا پیش از دور اول مذاکرات در اوایل آوریل هم ادامه یافت؛ زمانی که ترامپ اعلام کرد اگر برنامه هسته‌ای ایران بر چیده نشود، اسرائیل به این کشور حمله خواهد کرد.

ایالات متحده، در قبال ذخایر اورانیوم غنی‌شده سطح بالایی ایران نیز، مثل سطح غنی‌سازی، موضعی حداکثری اتخاذ کرد. در دور سوم گفت‌وگوها، واشنگتن اصرار کرد تا زمانی که ذخایر نابود یا صادر نشده باشند، تحریمی را بر نخواهد داشت. بر اساس برنامه‌سمر حله‌ای ایران، تهران خواسته بود واشنگتن برخی تحریم‌ها را به عنوان گامی جهت اعتمادسازی و در مقابل توقف غنی‌سازی سطح بالایی ایران، احیای بازرسی‌های آژانس و اجرای پروتکل الحاقی ان‌بی‌تی، برداشته شوند. تنها پس از آن بود که ایران این ذخایر را نابود یا در مقابل رفع تحریم‌های باقیمانده، به کشوری ثالث منتقل می‌کرد. تا آن زمان، تهران اصرار داشت ذخایر را نگه دارد؛ برای حالتی که واشنگتن در اجرای دو گام اول این برنامه کوتاهی کند.

در دور چهارم گفت‌وگوها و در رویکردی حداکثری، ایالات متحده پیشنهاد کنسرسیوم مشترک غنی‌سازی هسته‌ای با دولت عرب و سرمایه‌گذاری آمریکا را به عنوان جایگزین بر چیدن برنامه هسته‌ای رد کرد. ترامپ، چندین روز بعد، در سفرش به عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی در اواسط ماه مه، رویکرد بیشینه‌گرایانه خود را حفظ کرد، با اصرار دوباره بر غنی‌سازی صفر، حتی پس از آن که پیشنهادی به تهران فرستاده بود که طبق گزارش‌ها، در آن بر سر این موضوع سازش کرده بود. حرف ترامپ تهران را بر آن داشت که این پیشنهاد را صرف نظر از محتوایش رد کند و حاضر نشود از حق غنی‌سازی اورانیوم دست بکشد، حتی اگر این کار خطر درگیری نظامی را افزایش می‌داد. هم‌زمان و به عنوان راهی برای تشویق ایالات متحده به این که از دیپلماسی دست نکشد، ایران تمایل خود را به حذف یا صدور ذخایر اورانیوم غنی‌شده در سطح بالا در مقابل رفع تحریم‌های آمریکا تکرار کرد؛ با وجود این، در دور پنجم گفت‌وگوها، بیشینه‌گرایی آمریکایی ادامه یافت و واشنگتن دوباره خواستار موافقت تهران با غنی‌سازی صفر و بر چیدن کامل برنامه شد. مثل گذشته، ایران این خواسته را رد کرد و هشدار داد این موضع منجر به فروپاشی مذاکرات خواهد شد.

بعد از حفظ این موضع حداکثری در پنج دور گفت‌وگو و در حالی که دور ششم برای اواسط ژوئن برنامه‌ریزی شده بود، دولت ترامپ موقتاً امتیازی حیاتی داد که می‌توانست منجر به پیشرفتی مهم و مسیری بالقوه به سمت توافق شود. اوایل ژوئن، این دولت به تهران پیشنهاد دیگری فرستاد. طبق گزارش‌ها، دولت ترامپ پیشنهاد داد به ایران در ساخت نیروگاه هسته‌ای کمک کند و اجازه دهد غنی‌سازی اورانیوم به شکل محدود برای اهداف غیرنظامی یا صلح‌آمیز انجام شود تا زمانی که کنسرسیومی منطقه‌ای تشکیل شود؛ اما چند روز بعد، دولت ترامپ بیشینه‌گرایی خود را ادامه داد و اصرار کرد ایران اجازه غنی‌سازی در هیچ سطحی نخواهد داشت. مثل قبل، این بار هم تهران پیشنهاد تازه را رد کرد. حتی اگر این پیشنهاد حاوی امتیاز بود، اظهارات حداکثری دولت باعث شد مقامات ایران آن را رد کنند و بر حق خود جهت غنی‌سازی اورانیوم، حفظ ذخایر و حفظ برنامه تأکید کنند.

نفوذ و مداخله اسرائیل و کنگره

چهارمین و آخرین عامل، نفوذ و مداخله اسرائیل و کنگره آمریکا بود. اوایل آوریل، پیش از دور اول گفت‌وگوها، نتانیاهو بر ترامپ اثر گذاشت تا او اعلام کند اگر برنامه هسته‌ای ایران کامل بر چیده نشود، اسرائیل به آن حمله خواهد کرد. این خواسته «الگوی لیبی» خوانده شد؛ معمر قذافی، رهبر فقید لیبی که بر چیدن برنامه هسته‌ای را پذیرفت، پیش از آن که رژیمش با مداخله ناتو و شورش داخلی سرنگون شود. اعلام این موضوع، تنش‌ها را با تهران بالا برد، چون نه تنها حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم و حفظ برنامه صلح‌آمیز تحت ان‌بی‌تی را رد می‌کرد، بلکه میل به تغییر حکومت در ایران را نیز ابراز می‌کرد.

قبل از دور چهارم گفت‌وگوها، جمهوری خواهان کنگره اعلام کردند، هر توافقی که تأیید آن‌ها را بخواهد، لزوماً باید در آن ایران همه نوع غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و برنامه هسته‌ای اش را برچیند و علاوه بر آن، رسیدگی کافی به مسئله موشک‌های بالستیک و نیابتی‌های منطقه‌ای داشته باشد. بعد از دور چهارم